

# جلوهای تازه از مقابله شرق و غرب

## «سلاح» مواد خوراکی در برابر «سلاح» نفت

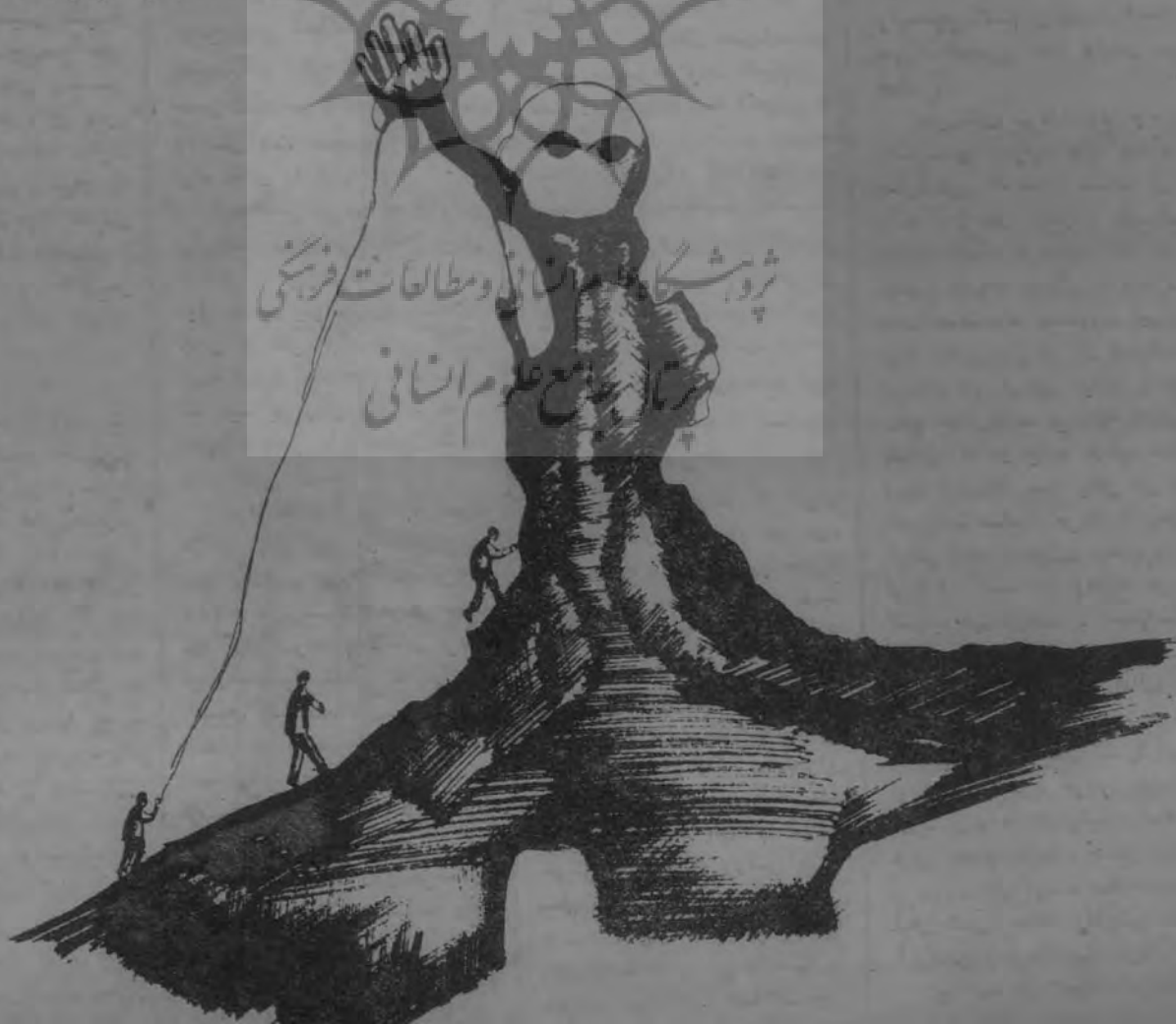
دنیای غرب صحبت بمیان آورده است. با اینحال رئیس‌جمهوری آمریکا بیانات و تهدیدات وزیر امور خارجه اش را «ناشنیده» گرفت و اعلام داشت: علیرغم بایکوت نفت و ترقی قیمت آن دولت ایالات متحده آمریکا «هرگز» نمیخواهد از مواد غذایی بتواند

خارج آمریکا آشکارا به امکان بروز «خفقان» اقتصادی جهان سرمایه داری در نتیجه تصمیمات اخیر تولید کنندگان نفت اشاره کرده و حتی چندین مرتبه از امکان استفاده از نیروی نظامی بر علیه ممالک تولید کننده نفت جهت جلوگیری از اختناق اقتصادی

کننده - که کلای آنان را میخرند شد. با نگاهی ژرف به این وابستگیهای مشترک در کادرسستم اقتصاد کاپیتالیستی درمی یابیم که این پیوندها موجب بروز کشمکشها و نزاعها بین تولید کننده نفت و مصرف کنندگان آن شده است. آقای هنری کیسینجر وزیر امور

آیا دنیای غرب بخاطر ترس از خفقان اقتصادی به گرسنه کردن ممالک جهان سوم میپردازد؟ ترقی قیمت نفت موجب آشکار شدن «وابستگی» دنیای سرمایه داری صنعتی به ممالک تولید کننده نفت، و «وابستگی» ممالک تولید کننده نفت به ممالک مصرف

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز تحقیقات علوم انسانی



يك سلاح سياسي استفاده كند از  
نطق جرار فوربد در نوامبر ۱۹۷۴)  
در همین نطق وی اضافه كرد كه  
تعداد زیادی از کشورهای در  
حال توسعه به مازاد مواد غذایی  
تعداد قلیلی از ممالك توسعه یافته  
احتیاج دارند و تعداد بیشتری  
از ممالك صنعتی به تولیدات نفتی  
گروه کوچکی از کشورهای در  
حال توسعه نیازمند هستند .  
در چشم انداز تماسهای سه-  
جانبه ایكه در مورد انرژی تشکیل  
خواهد شد باید از خود سؤال  
كرد كه اگر تهدید صنعتی ریس  
جمهوری امریکا در مورد محروم نمودن  
احتمالی کشورهای در حال توسعه  
(بویژه ممالك عرب تولید نفت )  
از مواد غذایی تولیدی در کشور  
من پیشرفته چاره عمل نباشد  
چه تغییرات و تحولاتی در جهان  
و بویژه در دنیای عرب پیش  
خواهد آمد ؟

ممالك بیابانی مثل كویت امارات  
منحده عربی - قطر - عمان و  
عربستان سعودی از نظر كمبود  
مواد غذایی در موقعیتی بسیار  
خطرناك قرار دارند و سمت خطر  
و اهمیت آن به هنگامی بیشتر  
احساس میشود كه علاوه بر کشور  
های یادشده، وضع ممالك دیگری  
مثل الجزایر - لیبی و عراق را  
كه از وارد کنندگان مواد غذایی  
هستند در نظر گرفت، بخصوص آنكه  
انبارهای غله روز بروز خالی تر  
و خشكسالی در کشورهای مختلف  
عالم گسترده تر میگردد .

ایالات متحده امریکا كه به  
تنهایی شصت درصد (۶۰٪) از  
كمكهای غذایی ممالك در حال توسعه  
را تامین میکند خود نیز در سالهای  
اخیر دچار مضیقهای هائی در مورد  
تولیدات کشاورزی شده است تا  
بدان حد كه در سال ۱۹۷۴ آقای بل  
معاون وزارت کشاورزی امریکا  
اعلام داشت كه بایستی دولت وی  
در برنامه كمكهای مواد غذایی به  
کشورهای در حال توسعه تجدید  
نظر كند. اگر نفت يك ثروت موقتی  
است احتیاجات غذایی همیشگی  
است. ممالك عربی مولد نفت  
جمعیت زیادی را كه احتیاج به  
مواد غذایی وارداتی دارند در بر  
میگیرند (يك سوم از كل اعراب و  
این احتیاج به مواد غذایی همگام  
با رشد جمعیت و بالا رفتن سطح  
زندگی روز بروز گسترش مییابد.

در امارات متحده عربی  
همچنانكه در عربستان سعودی و  
كویت زمین قابل كشت بسیار  
نادر است تنها ۷۶۵۰۰ هكتار از  
سرزمین عربستان برای يك جمعیت  
۱۲۶۸۰۰۰ نفری قابل كشت  
است یعنی تقریباً ۱۶ هكتار برای  
هر نفر و این نسبت در لیبی به  
۲۸ میرسد .

واردات غذایی عربستان هم از  
ممالك نظیر سوریه - مصر لبنان  
تامین میشود (میوه و سبزی) و هم  
از کشورهای صنعتی و توسعه  
یافته بخصوص امریکا (غلات - ارد  
شكر) از سوی دیگر الجزایر كه  
صادر كننده سنتی غلات و كوفسد  
بود دیگر قادر به تصور آنها نیست  
و عراق دیگر نمیتواند بجز مقدار  
كمی جو غله ای صادر كند و لیبی كه  
مدها كوفسد زنده صادر میكرد  
هم اکنون ترجیح میدهد كه آنها را  
برای مصرف داخلی خوبتر  
نگاهداری كند . مسئله كمبود مواد  
غذایی تنها مربوط به ممالك عربی  
نیست. ایران در سال ۱۹۷۴ فریب  
چهار میلیون نئو كندم و چهار  
میلیون كتنو شكوارد برد و چنین  
حدس زده میشود كه خاورمیانه تا  
۲۵ سال آینده همچنین وارد كننده  
مواد غذایی باشد .

پامختصر شرحی كه از وضع  
تولیدات کشاورزی ممالك عربی  
گذشت آیا میتوان تصور كرد كه  
دول مذکور بتوانند به استقلال  
تنهایی از نظر مواد غذایی تامل  
ابند ؟ بدون شك جوا بی این سؤال  
كه باید به روی مقروضات و  
معلومات عصر پایه گذاری كشده  
باشد منفی است.

تولید غلات امروزه به نسبت  
هر نفر در هر سال در الجزایر به  
۱۶ و در لیبی به ۱۰ و در عراق به  
۲۸۰ و در عربستان سعودی تنها به  
۲۵ كيلو میرسد - بدین ترتیب  
احتیاجات مواد غذایی كه در نتیجه  
كمبود تولیدات داخلی پیش میاید  
بسیار زیاد است چنانكه اگر فرضاً  
غله لازم برای هر فرد بطور سالیانه  
و متوسط را ۲۵ كيلو گرم بگیریم  
الجزایر میبایستی ۹ میلیون كتنو  
- لیبی ۲۵ میلیون و عربستان  
سعودی ۱۲ میلیون كتنو غله وارد  
كند.  
كمبود مواد غذایی دول مذکور  
تنها محدود به غلات نمیشود .

تولید پروتئین نیز در این سوره  
ها بسیار ناچیز است و میسوس است  
كه با توسعه سریع شهر لسینو  
بالا رفتن سطح زندگی ، مصرف  
لحوت و محصولات شیری حی  
سریعتر از رشد جمعیت توسعه  
خواهد یافت .

كوششهای الجزایر جهت  
تسكین ز در سال این ام رسید  
مواد غذایی قابل توجه است من  
در نتیجه رشد سریع جمعیت  
اینهمه تلاشها نتایج ناچیزی  
بدست میاید . با اینکه مصرف  
بنجسال است كه استفاده از  
های مرغوبی نه بارده زیادی دارند  
نتیجه مطلوبی در تولید محصولات  
كشاورزی داشته اما استفاده از  
این بفرها نتیجه منجزه آسانی نه  
انتظار هیئت ببار نیآورده است  
چنانكه اگر میزان تولید سراسر  
محصولات كشاورزی را به دلار  
بین كند این تولید برای هر  
الجزایری به ۷۰ دلار و برای هر  
عراقی ۱۲۵ دلار است در حالیکه  
برای هر كشته عربستان سعودی  
تنها ۵۰ دلار میباشد .

فاعدلاً دلالاتی منفی باینسی  
موجب مدنظره كردن تكنیکهای  
كشاورزی نبود اما مثلاً الجزایر با  
اینكه یکی از بزرگترین تولید  
كنندگان و مصرف کنندگان كود  
شیمیایی و آلات ميكانیکی (به نسبت  
سایر ممالك عربی) در كشاورزی  
است و توسعه صنعت شیمیایی  
آن امکان استفاده بیشتر از كود  
شیمیایی را به آن كسود میدهد  
آنطور كه باید از تولیدات كود  
شیمیایی خود در توسعه كشاورزی  
بهره برداری نمی كند.

عربستان سعودی كه تقریباً  
۴۵۰۰ تن كود ازت دار تهیه می-  
نماید فقط ۱۵۰۰ تن آنرا مصرف  
میکند . عراق با اینکه به علت  
بهره وری از نعمت جریان رودخانه  
های دجله و فرات از موفهیت  
استثنائی كشاورزی بر خوردار  
است هنوز تولید كندم و شكر  
خود را گسترش نداده . بنابراین  
آشكار است كه دول مولد نفت  
برای تامین مواد خوراکی اساسی  
خوش : غلات - پروتئین - و  
شكر نیازمند به كمكهای خارجی  
هستند . توسعه قابل پیش بینی  
احتیاجات غذایی این وابستگی را  
شدیدتر می نماید - هم اکنون

لازمست بدانیم كه این دول بیشتر  
به چه كشوری عنكی هستند .  
موقعیت جهانی و اقتصادی  
های سعادت و ثروت آنها  
بسوی کشورهای نفت خیز پیرواز  
در نیامده بلكه بسیاری از ممالك  
اروپایی ویا امریكا نیز از دیدار  
این پرده بهره مندند . اترقیمت  
كندم امریكاى در بهار سال قبل  
بسطی به تنی ۶۰ دلار میرسیدیم  
اكنون قیمت همان میزان كندم  
از ۲۷۰ دلار متجاوز است تقاضای  
جهانی برای مواد غذایی روبه  
گسترش میكند در حالی كه  
انبارها رو به تهی شدن است  
بدین سان موقعیتی استثنائی برای  
سوداگران مواد كشاورزی بوجود  
آمده است. از سال ۱۹۷۱ میزان  
كندم تولیدی در دنیا مرتب  
كاهش می یابد . حال ایالات متحده  
با اینکه فقط ۵٪ از سرزمینهای  
آباد دنیا را تشکیل میدهد بدنیهای  
بین ۱۳ تا ۱۴٪ كندم مجموع  
تولیدی در دنیا را تهیه میکند .  
فرانسه نیز سالهاست كه از يك  
تولید خوب كندم برخوردار است  
(۵٪ از مجموع كندم تولیدی در  
جهان ) .  
کشورهای سرمایه داری توسعه  
یافته نه تنها در تولید غلات بفره در  
بخت دیگری كه همانا لبنیات می-  
باشد از مزایای زیادی برخوردارند  
ایالات متحده با تولید ۱۳٪ از  
مجموع لبنیات تولیدی در دنیا در  
صدر مملكت مولد محصولات شیری  
قرار داد و پس از آن فرانسه  
است كه ۷٪ از این موارد را در  
سطح جهانی تولید می نماید . ولی  
نكته ای كه در اینجا در خود تامل  
است اینستكه بعید بنظر میرسد  
كه ایالات متحده امریكا با در نظر  
گرفتن رشد كشاورزی و دامپروری  
اروپا در آینده از موفهیت تعیین  
كننده برخوردار باشد . مسلم است  
كه این كشور مواد غذایی اضافی  
زیادی در اختیار دارد اما اروپای  
غربی دارای آنچنان وضعیتی است  
كه میتواند كفه های سرازوی  
توانایی را بسود خویش خم نماید  
اروپا می تواند با احتیاجات ممالك  
عربی كندم و لبنیات پاسخ گوید  
و ۲۰۰۰۰۰ تن گوشت سالیانه مورد  
نیاز همین ممالك را می شود از  
آزادترین و افریقائین نمود .  
با همه این حوال امریكاكه

قادر است از نظر مواد غذایی ممالک عربی نفت خیز را در تنگنا قرار دهد. تهدید خود را مبنی بر بایکوت دول عربی مولد نفت از نظر مواد غذایی آشکار ساخته است. نا آنجا که دول اخیر ( ممالک عربی ) سخت به چاره جویی برخاسته اند و جهد می کنند که تولیدات کشاورزی خود را دو برابر سازند اما باید در نظر داشت زمانی که دولارهای نفتی بدول عربی اجازه میدهد که مواد مورد نیاز خویش را بفرایانی بخرند کشورهای مذکور از عقب افتادگی کشاورزی خویش ناراحت نیستند.

بنابر این مسئله مضیقۀ نامین مواد غذایی برای جمعیت رو به گسترش این کشورها بآینده مربوط

میشود اثر جمعیت اعراب سعودی با آهنگ فعلی گسترش یابد در سال ۲۰۵۰ تعداد آنان به ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید . در اینجا این سؤال مطرح میشود که در سال مذکور سودیها ۲۰۰ میلیون کنتوگله مورد نیاز خود را از کجا می آورند ؟ مگر اینکه تصور کنیم که تا سال مذکور دلارهای نفتی از عربستان کشوری حاصلخیز و باروری نظیر فرانسه بسازد !. يك چشم انداز فریبنده !... اما فرض بارور نمودن صحرای لمیزرع افلا برای آینده نزدیک فرضی است بوج.

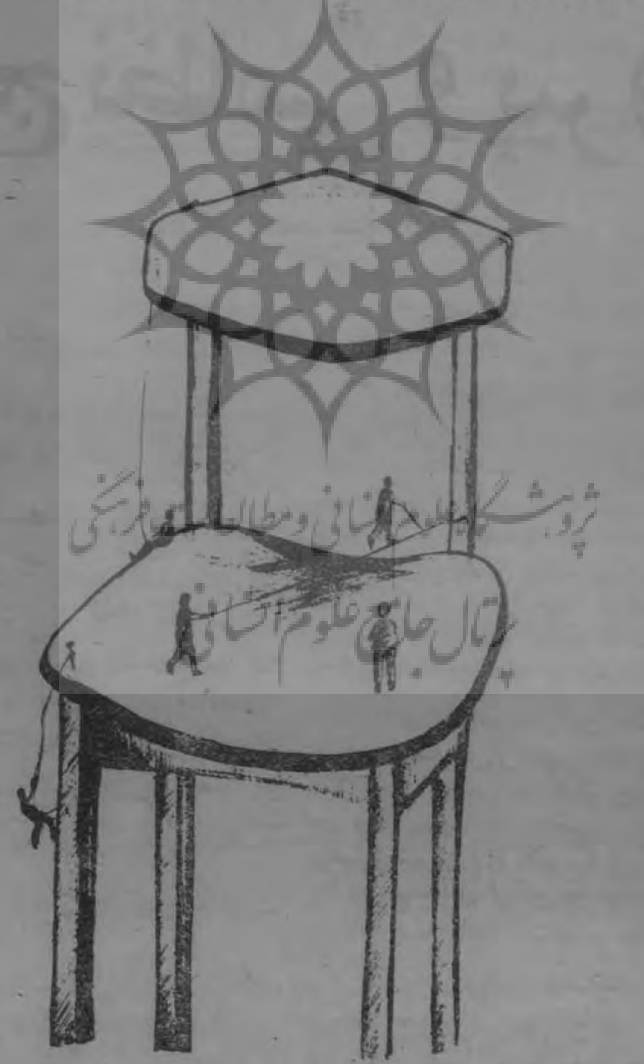
در این ضمن باید امکانات ناحیه ای را از نظر دور نداشت. سودان کشوری است که قدرتی کنندگان ( مواد غذایی و نفت )

لیکن این کشور از سرمایه و تکنیک لازم جهت بهره برداری از امکانات طبیعی خویش جهت توسعه کشاورزی بی بهره است.

با در نظر گرفتن اوضاع جغرافیایی ممالک جهان از نظر تولیدات کشاورزی باید قبول کرد که مواد اولیه : غلات ، گوشت ، شکر و ... عوامل استراتژیکی دنیای فردا را تشکیل میدهد و هر روز که میگردد اهمیت این مواد بیشتر آشکار میشود. ممالک عربی تولید کننده نفت که از نظر تولیدات غذایی ناتوانند احتمالا میتوانند از فرصت و موقعیتی که در آینده در طی مذاکرات بین مصرف کنندگان و تولید - تولیدی کشاورزی آن زیاد است

بیش می آید استفاده کنند تا بتوانند راه حلی جهت این معضل روبه گسترش پیدا کنند و چنین بنظر میرسد که آنها ناگزیرند با کشورهای که دارای مواد خوراکی اضافی هستند ( ممالک مصرف کننده نفت ) بجستجوی توافقی در باره تجهیزات کشاورزی و قیمت مواد غذایی همت گمارند .

در حالیکه الجزایر از چنین موقعیتی دفاع میکند با نظرات خاصی از لزوم این توافقی سخن میگوید. در صورت عدم حصول چنین توافقی «چنگ غذا» میتواند بطور رسمی جلوه گر شود . جنگی که با فشار های شدید سیاسی بمنظور کاستن از سختی عزم ممالک تولید کننده نفت همراه خواهد بود .



پژوهشگران ایرانی و مطالب علمی  
 پتال جامع علوم اسلامی